

دوستان قذافی

پشت صحنه: شرکت های آلمانی سال های سال رژیم لیبی تحت رهبریت قذافی را با اطلاع دولت آلمان مسلح می نمودند (بخصوص با گاز های سمی).

Winfried Wolf

برگردان ناهید جعفرپور



مسلمانان انگیزه های متفاوت و بخشا متضادی وجود دارند که چرا دولت آلمان شرکت ارتش آلمان را در ایجاد یک محدوده ممنوعه هوایی بر فراز لیبی قبول ننمود و همچنین دلایل خوبی هم وجود دارند که چرا حملات نظامی گسترده ای که هواپیماهای جنگی کشورهای ناتو و از همه مهمتر فرانسوی، بریتانیایی و آمریکایی بر علیه لیبی انجام می دهند اهداف دیگری را دنبال می کنند تا اهداف حقوق بشری و محافظت از مردم غیر نظامی لیبی.

البته در کنار حمله نظامی ناتو گزینه های سیاسی و اقتصادی بسیاری دیگری هم پیشنهاد شد از جمله به رسمیت شناختن " شورای ملی لیبی"، کمک های مالی به آنها، ارجعیت دادن و کمک به آکسیون های نظامی مخالفین دولت در بن قاضی از طریق اتحادیه کشورهای لیگای عربی. مصر در روزهای آخر قبل از حمله غربی ها شروع کرد به مخالفان دولت در بن قاضی اسلحه بدهد. دولت برلین همه این اقدامات را رد نمود.

یک هفته قبل از شروع بمباران ها وزیر امور خارجه آلمان اعلام نمود که می خواهد با هر دو طرف وارد مذاکره شود. یک روز قبل از اینکه شورای امنیت سازمان ملل تصمیم گیری کند آکسیون نظامی به اصطلاح جامعه ملل را تأیید نماید، قذافی از موضع صدر اعظم آلمان بعنوان " دوستی با لیبی" قدردانی نمود.

در زیر مجموعه منافعی که حمله نظامی غربی ها را باعث گردید مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مسلمانان نقش مهم را در اینجا منافع نفتی و گازی در فاز آخر عصر نفت بازی می کنند. در این بخش از زمان آغاز حرکت های انقلابی در کشورهای عربی پیشرفت های جدید مهمی صورت پذیرفته است که به این اوضاع یاری رسانده اند. دلایل اینکه چرا موضع دولت آلمان ممتنع بوده است را می توان بخصوص در پشتیبانی تسلیحاتی دولت ها و شرکت های آلمانی از رژیم قذافی دانست.

پروژه گاز سمی

اوت 1988 فرانکفورت. یک زن در حدود 40 ساله نزد یاکوب مونتا رئیس اسبق روزنامه فلزکاران آلمان و نزد من مسئول آزمای روزنامه سوسیالیستی می آید و خود را بعنوان سکرتر شرکت "ای ب ای" یعنی شرکت بین المللی احسان بربوتی معرفی می کند. وی با ارائه مدارک اظهار می دارد که شرکت آلمانی با اطلاع دولت آلمان در لیبی یک کارخانه برای ساخت گاز سمی (گاز خردل و گاز تابون) بنا نموده است. این اطلاعات برای ما در ابتدا ماجراجویانه بنظر رسید. ما فکر کردیم که چرا دولت آلمان تحت رهبری هلموت کل از دمکرات مسیحی ها و هانس دیتیریش گنچر از " اف د پ " یک پروژه تسلیحاتی به این شکل را پشتیبانی و یا تحمل می کنند؟ دست آخر ما با مجله اشترن تماس می گیریم اما این مجله که مرکزش شهر هامبورگ است هفته ها ما را سر می گرداند ولی بالاخره در تاریخ 1 ژانویه 1989 در روزنامه نیویورک تایمز مقاله ای مفصل در باره پروژه لیبی/آلمانی گاز سمی علنی می گردد. نویسنده مقاله و بلیام سفیره است و تیتر مقاله:

Auschwitz in the Sand

بعد از آن مجله اشترن هم این تم را سرمقاله کرد. در ماه های فوریه و مارس 1989 از این ماجرا یک دعوای شدید میان بن و واشنگتن شروع گردید. بعد از هفته های طولانی رد این ادعا اما بالاخره وزیر آلمانی ولفگانگ شایوبله اخطار داد که عجلانه قضاوت نشود. - دولت هلموت کل می بایست همکاری خود را با قذافی در باره تولید تسلیحات گازی اقرار کند. بعدا این توضیحات داده شد که: در رباط از اوائل 1980 یک مرکز بزرگ شیمیائی (مرکز تلنولوژی شیمیائی) ساخته شد. که قاعدتا می بایست پروژه ای غیر نظامی باشد اما در حاشیه این تاسیسات کارخانه ای کاملاً زیر پوششی دیگر برای تولید مواد تسلیحاتی گازی بنا گردید. تجهیزات این کارخانه کاملاً از سوی شرکت آلمانی " ایم هایوزن - شیمی " که دفتر مرکزی اش در لار - شوارتز والد است به رباط فرستاده شد.

در ماه مارس 2011 در رسانه های بین المللی و آلمانی باره گزارشاتی علنی گشت. گزارش داده شد که دولت لیبی هنوز بیش از 8,8 تن گاز خردل از تولیدات سابق این کارخانه در اختیار دارد. البته در باره آن پروژه تنها اشاره کوچکی شد که: چند آلمانی حریص به قذافی کارخانه تولید تسلیحات گازی دادند. به همین صورت نا کامل این مسئله تم تلویزیون کانال یک آلمان " آ آر د ماگاسین" در تاریخ 10 مارس 2011 شد. البته این که این مسئله در تلویزیون مطرح شد خوب بود اما داستان تا آنجا که می شد مختصر گشت.

داستان واقعی این ماجرا هیچگاه علنی نشد. شرکت ایم هایوزن به تنهایی قادر نبود این تجارت عظیم را با رباط انجام دهد. در واقعیت نقشه های این کارخانه گاز سمی و مرکز کارخانه جات شیمی از سوی صنایع سالز گیتزر:

Salzgitter Industriebau GmbH (SIG).

طرح ریزی شد. شرکت مادر سالز گیتزر آگ شرکت صد در صد وابسته به دولت آلمان است. دولت آلمان برای اینکه نقش کنسرن های دولتی را در پروژه گاز سمی لیبی مخفی سازد و سر پوش بگذارد این پروژه را با دو هویت ایجاد نمود. در واقع تحت نام این پروژه، پروژه ای دیگر با نام " فارما 150" در هنگ کنگ ایجاد گردید. ظاهراً شرکت آلمانی سال های طولانی تجهیزات تسلیحاتی را به " فارما 150" در هنگ کنگ فرستاده است اما در واقعیت در هنگ کنگ تنها یک شرکت صندوق پستی وجود داشت با یک دفتر مرکزی ی 50 متری. شرکت سالزگیتزر آگ در نهایت اقرار نمود که کنسرن دولتی آلمان از سال 1985 اطلاعات در باره محل واقعی تاسیسات را در اختیار داشته است. همچنین شرکت های بزرگ دیگر آلمانی چون پرویوس زاک آگ که این هم دولتی است و کنسرن فولاد توسن در ساخت کارخانه تولید گاز سمی در رباط سهیم بودند.

جالب تر از همه این است که : در فضای افشای پروژه تسلیحات گاز های سمی معلوم شد که در همان زمان که کارخانه گاز های سمی در رباط ساخته شد یک شرکت که مرکزش در بایرن آلمان است بنام " این تک" تبدیل هواپیماهای ترانسپرت هرکولس لیبی را به هواپیما های تانک مواد سوختی سازماندهی نموده است. از این طریق این هواپیماها قادر شدند میراث های لیبی و میگ 23 های لیبی را که بمب افکن های شکارچی هستند در هوا سوخت بدهند. از این طریق این هواپیماهای مجهز به بمب های گاز سمی بردی از لیبی تا اسرائیل را دارا شدند. گاز سمی و بمب های شکارچی با ظرفیت مسافت دور در اختیار رژیم قذافی باعث اعتراضات شدید اسرائیل به دولت آلمان شد.

قرار داد های عظیم از تری پولیس

پروژه رباط بروشنی تنها یک تجارت عادی نبود. دولت آلمان از 1985 جزء به جزء در باره این پروژه در لیبی اطلاعات در دست داشت. (گزارش های آن از طریق خبرگزاری آلمان " ب ان د" که مسئله را پی گیری می کرد تهیه می شد). بعد از این که این رسوائی فاش گردید دولت آلمان اجازه داد تا بخش بزرگی از شرکت های شیمی ایم هایوزن و " ای بی ای" به خارج از آلمان منتقل گردند. هیچکسی در کنسرن سالزگیتزر مسئول این کار نشد. یورگن هیپین استیل رئیس شرکت ایم هایوزن - شیمی به یک حبس مسخره محکوم شد (5 سال) که تنها از این مدت زمان کوتاهی در حبس بسر برد. دادگاه از سود این تجارت گاز سمی که چیزی در حدود 60 میلیون مارک بود دست و دلبازانه گذشت نمود. در همین زمان افشای کارخانه گاز سمی، پروژه دیگری هم افشا شد. موضوع بر سر ساخت یک کارخانه گاز سمی دیگر توسط آلمان بود البته باز هم افشای این کارخانه خیلی دیر صورت گرفت (1996) و باز هم شرکتی متوسط رابط دولت آلمان بود. البته بعداً این کارخانه مسکوت شد.

بر گردیم به سال 1989 این رسوائی به بحرانی جدی برای دولت سیاه زرد آلمان شد. کشتی های جنگی آمریکائی و همچنین هواپیما بر های روزولت قبل از سواحل لیبی در

حرکت بودند: البته دو هواپیمای جنگی لیبی توسط ارتش آمریکا مورد هدف قرار گرفتند و این تهدید وجود داشت که تاسیسات رباط بمباران کردند. دولت آلمان کاملاً نگران بود.

سپس حوادث در آلمان شرقی و اروپای میانی و شرقی در گرماگرم خود قرار گرفت و بدینوسیله مسئله لیبی از سیاست روزمره گم شد. در حرکت سال های بعد وابستگی غرب به نفت بیشتر شد. سال 2003 دولت آمریکا نام لیبی را از لیست کشورهای تروریستی حذف نمود. سازمان ملل تحریم تسلیحاتی سبک خود را بر لیبی بر داشت.

خوب از این به بعد یک رقابت به نفع قذافی و خانواده اش آغاز گشت و مسلح کردن شدید رژیم لیبی شروع شد. مهمترین شریک لیبی در این مسئله نیروهای آلمانی و بریتانیایی بودند. سال 2005 در تری پولیس 30 پلیس اسبق آلمانی از کماندوی ویژه "گ اس گ - 9" مستقر شدند. البته با توجیحات ظاهراً شخصی. اما آنها موظف بودند نیروهای ویژه قذافی را آموزش دهند. البته این سنتی قدیمی بود: در سال 1978 در تری پولیس مائزور آلمانی هانس دیتر راتجن با چند متخصص دیگر آلمانی در لیبی مستقر شدند تا تیمی را به وجود آورند که تا سال 1984 نیروهای ویژه قذافی را با تکنولوژی مبارزاتی مدرن مجهز سازند.

سال 2007 کنسرن تسلیحاتی فرانسوی/آلمانی "آ د اس" با لیبی یک قرار داد بزرگ به مبلغ 168 میلیون یورو بست. در فاصله سال 2008 و 2009 دولت آلمان تحت صدراعظمی آنگلا مرکل ارزش قرار داد تسلیحاتی به لیبی را به 13 برابر افزایش داد.

یورگن گرس لین سخنگوی جامعه صلح آلمان در تاریخ 4 مارس اعلام نمود که در زمان صدراعظمی آنگلا مرکل دولت آلمان جواز صادرات تجهیزات نظامی چون هلی کوپتر های جنگی، جیب های ارتشی، تکنولوژی ارتباطات جمعی و ... را به لیبی صادر نموده است. اگر که جنبش دموکراسی خواهی در تری پولیس سرکوب می گردد و مردم لیبی مجبور به فرار از لیبی می شوند دولت آلمان در این مسئله مقصر می باشد.

پسر قذافی که در مونیخ زندگی می کند در سال 2010 قاچاق اسلحه به لیبی می کرده است. دادستان مونیخ بر علیه وی پرونده ای را تشکیل داده است. این پرونده اوائل سال 2011 مجدداً مسکوت شد. رئیس پلیس مونیخ در یک هتل لوکس مونیخ یک مذاکره دوستانه در باره این پرونده با پسر قذافی انجام داده است.

همکاری مشترک نظامی آلمان/لیبی میان تری پولیس و دیگر کشورهای ناتو هم دنبال شد. در سال 2009 وزیر امور خارجه بریتانیا اعلام نمود که هم کاری مشترک دائمی با لیبی در بخش دفاعی وجود دارد. در این فاصله سربازان بریتانیایی "نیروی ویژه" ایر سرویس ویژه" آموزش بریگاد 32 لیبی را بعهدہ گرفت. بریگادی که از سوی خامیس القذافی رهبری می شد و در ماه مارس 2011 این باریگاد حملات به محل های شورای ملی لیبی را انجام داد. ژنرال دینامیک کنسرن تسلیحاتی آمریکا در سال 2008 از طریق

شعبه بریتانیایی اش تکنولوژی ارتباطی به مبلغ 166 میلیون دلار آمریکایی به ارتش قذافی فروخت. این کنسرن از سال 2004 ارتش بریتانیا را با سیستم ارتباطی "بومن" مسلح نموده است. که توسط این سیستم زیگنال های دیجیتالی و زیگنال ها گ پ اس بکار گرفته می شوند. طبق گفته این کنسرن این سیستم زیگنالی در سال 2005 در عراق کاربرد فعال داشته است. شرکت تسلیحاتی بلژیکی اف ان هرستال به لیبی فشنگ و اسلحه گرم فروخته است. کنسرن هواپیماسازی فرانسوی داس سایولت هواپیماهای شکاری قدیمی ارتش لیبی را مدرنیزه ساخته است.

طبق تخمین انستیتوی بین المللی صلح استهکلم قذافی موفق شد بین سال های 2003 تا 2008 در حدود 4،4 میلیارد دلار آمریکایی برای خرید تسلیحات هزینه نماید. این مبلغ به همراه هزینه خرید تسلیحات در سال های 2009 و 2010 بین 6 تا 8 میلیارد دیگر افزایش یافته است.

اگر به مجموعه فروش تسلیحات به این منطقه توجه کنیم مبلغی بسیار بالا هزینه گشته است. مثلاً عربستان سعودی تنها در سال 2009 حدود 41 میلیارد دلار تسلیحات خریده است. در تمامی آفریقای شمالی هزینه های خرید تسلیحات از صادر کننده های بزرگ غربی و روسیه انجام پذیرفته است تنها در سال 2000 این منطقه 5،1 میلیارد دلار تسلیحات خریده است. این مبلغ تا سال 2009 و 2010 دوبرابر گشته است. در خاورمیانه در سال 2000 در حدود 70 میلیارد دلار تسلیحات خریداری شده است. از آن زمان این مبلغ همواره افزایش یافته است. در سال های 2006 تا 2010 در حدود 100 میلیارد دلار سالانه شده است.

در سال 2009 نمایشگاه تسلیحاتی لاوکس در لیبی برگزار گردید. این نمایشگاه در رقابت با نمایشگاه اندکس ابوزبی قرار داشت. اندکس ابوزبی یکی از بزرگترین نمایشگاه های بخش تسلیحاتی است. در نمایشگاه لیبی در سال 2009 هلیکوپتر های جنگی "آد اس" و هلیکوپتر های تیگر به نمایش گذارده شد. همچنین کنسرن تسلیحاتی آلمانی فرانسوی گزارش داده است که در تری پولیس قرار دادهای موفقیت آمیز منعقد نموده است.

در مارس 2009 رئیس اسبق بخش اداری این کنسرن گفت که فلسفه تجاری این شرکت را طوری زمینه چینی کرده اند که به مناسبات دولت آلمان و رژیم تری پولیس خوانائی دارد. رودریگر گروبه دبیر کل کنونی راه آهن آلمان و عضو شورای اداری کنسرن فوق در آنزمان می گوید آلمان در این تجارت بسیار موفق است. وی می افزاید ما ماهی تابه یا دوچرخه صادر نمی کنیم بلکه تکنولوژی بالا و تولیدات بسیار مورد تقاضا زمینه کاری ماست.

نفت و گاز

آلمان در فاصله بحران موجود 7% نفتش را از لیبی تامین نموده است. در آلمان در حدود 400 پمپ بنزین وجود دارد که از سوی شرکت نفت لیبی و کمپانی لی میت که مرکزش در قبرس است کنترل می شوند. این پمپ بنزین ها در قاعده با مارک " تام اول" و " ها ا ام" کار می کنند. در تمام اروپا لیبی در حدود 3500 پمپ بنزین و سه تاسیسات تصفیه نفت را کنترل می کند. در لیبی کنسرن انرژی آلمانی " ا و ا" و " وینتر شل" که خود مستقلا نفت استخراج می کنند مستقر می باشند. دیگر کنسرن های مهم نفتی در لیبی کنسرن ایتالیائی " ا ان ای" و کنسرن اسپانیائی رپسول و کنسرن اطریشی " او ام و" می باشند. کنسرن ایتالیائی در لیبی مستقیما با 5% نفت لیبی شریک است.

در 16 فوریه 2011 در زمانی که اولین موج جنبش اعتراضی بر علیه دولت در تری پولیس آغاز گشت، در لیبی تجارت استراتژیک انرژی منعقد گشت. که در آن لیبی، روسیه و ایتالیا سهام می باشند. همچنین یک جوینت ونتوره با هر دو کنسرن گاز پروم روسی. کنسرن ایتالیائی بنیان گشت. به این پیمان 33 درصد نفت استخراج شده از چاه های نفت گسترده " الفانت فلد" که در 800 کیلومتری تری پولیس قرار گرفته تعلق دارد. در این رابطه اعلام شد که کنسرن ایتالیائی در استخراج گاز در سیبیری در بعدی وسیع سهام خواهد شد.

کنسرن های روسی گازپروم و کنسرن ایتالیائی مدتهای طولانی است که در استخراج چاه های نفت و گاز لیبی با هم تنگاتنگ کار می کنند. همچنین در استخراج نفت لیبی در صحرا (بلوک 19) و همچنین در دریای میانه. ایتالیا در آغاز بحران 50 درصد نفتش و گازش را از لیبی دریافت نموده است. در اثر شورش های انقلابی استخراج گاز توسط کنسرن ایتالیائی در لیبی کم شد و در نهایت مسکوت گشت. به این طریق این 50% گاز ایتالیا را روسیه روزانه به صادرات خود به ایتالیا اضافه نمود.

همچنین از سال 2004 یک خط لوله کشتی گاز با نام " گرین استریم" با دو شعبه از صحرای لیبی (نقطه شروع از وفا و سبها) که از تری پولیس و منطقه ای دیگر می گذرد و از دریای میانه هم رد می شود و تا گلا در سیسیل می رسد کشیده شده است. کنسرن ایتالیائی و شرکت نفت لیبی هر کدام 50% در آن سهامند. تا سال 2012 باید خط لوله کشتی گاز شمال تمام شود. که از فیبورگ روسیه تا دریای شرق و در آخر به زاس نیتز خواهد رسید. در این خط لوله گاز کنسرن روسی 51 درصد و کنسرن " وینترشل" 15،5 درصد کنسرن فرانسوی 9 درصد و کنسرن هلندی 9 درصد سهام می باشند.

خط لوله شمال از دریای خزر می گذرد و از ترکیه به وین اطریش می رسد. خط دیگری در دست طرح ریزی است که در آن بلغارستان، رومانی، ترکیه و... هر کدام 16،67 درصد سهامند. رئیس کمیسیون سهامداران " نورد استریم آگ" در خط گاز شمال گرهارد شرویدر صدراعظم اسبق آلمان است. " نورد استریم آگ" 51 درصد سهام

این خط لوله کشی گاز را داراست و وینتر شل و کنسرن دیگر هر کدام 20 درصد سهم می باشند.

آلمان تا کنون 30 درصد نفت و گاز مورد احتیاجش را از صادر کنندگان روسی گرفته است و به همراه نفت و گاز صادر شده از لیبی به آلمان نزدیک 40 درصد نیازش برآورده شده است. دولت مرکل بسیار علاقمند است که روسیه دوستان آلمانی اش را در مضیقه نگذارد. رفتار روسیه در شورای امنیت سازمان ملل می تواند این نقش را بازی کند که در صورت سرنگونی قذافی دولت های واشنگتن و لندن و پاریس با منافع انرژی روسیه کنار بیایند.